پنجشنبه اول خرداد ۱۴۰۴
شماره ۴۴۱۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

«فرهیختگان» تبعات سنگین هزینه‌های اجارهٔ مسکن را بررسی کرد

۲/۴ میلیون خانوار مستأجر زیر خط فقر

پانیذ رحیمی
خبرنگار گروه اقتصاد

انتهای خرداد هر سال برای اغلب خانوارها مصادف با دو اتفاق مهم است. اولی شروع تعطیلی مدارس برای خانوارهای دارای محصل و دومی، اتمام قراردادهای اجاره‌نشینی برای خانوارهای مستأجر. شاید کنار آمدن با مورد اولی برای خانوارها هزینه آنچنانی نداشته باشد، اما اتمام قراردادهای اجاره مسکن برای مستأجران همواره به عنوان یک چالش مطرح بوده است. داده‌های آماری نشان می‌دهد سهم مسکن از هزینه‌های سبد معیشت برای خانوارهای شهری کشور تا انتهای سال ۱۴۰۲ به حدود ۴۲/۵ درصد و این میزان برای شهروندان استان تهران به حدود ۵۶ درصد رسیده است. افزایش هزینه مسکن رابطه مستقیمی با فقر خانوار نیز دارد. طبق آخرین آمار رسمی، بیش از ۶۰ درصد خانوارهای مستأجر یک تا چهارنفره در کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ یعنی حدود ۲/۴ میلیون خانوار یا معادل ۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر، هر شب با نگرانی از تأمین اجاره ماه بعد، به خواب می‌روند. موضوع فقط نگرانی از نداشتن اجاره ماهیانه نیست، فقر مسکن یعنی هزینه مسکن آنقدری برای خانوار زیاد است که خانوار مجبور می‌شود برای تأمین آن، قید خیلی از نیازها و حتی نیازهای اولیه خود اعم از خوراک، پوشاک، بهداشت و تفریح را بزند. تصویر وخیم‌تر، زمانی مشخص می‌شود که به خانوارهای چهارنفره نگاه کنیم؛ جایی که نرخ فقر مسکن تا ۹۸ درصد نیز می‌رسد. درحالی‌که بسیاری از کشورهای جهان با ابزارهایی چون مالیات بر خانه‌های خالی، ممنوعیت سوداگری و حمایت هدفمند از مستأجران توانسته‌اند بازار اجاره را کنترل کنند، اما ایران همچنان با سیاست‌های نیم‌بند، شاهد سقوط تدریجی توان معیشتی مستأجران است. این در حالی است که مسکن طبق قانون اساسی، حقی است که دولت موظف به تأمین آن است. «فرهیختگان» در گفت‌وگو با مسعود فراهانی، پژوهشگر حوزه مسکن مرکز پژوهش‌های مجلس دلایل شکست سیاست‌های موجود و ضرورت تغییر نگاه در این حوزه را بررسی کرده است.

۲/۴ میلیون خانوار مستأجر زیر خط فقر

بر اساس آمارهای منتشرشده در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در سال ۱۴۰۱ حدود ۶۰ درصد از خانوارهای مستأجرِ یک تا چهارنفره، زیر خط فقر قرار داشته‌اند؛ یعنی حدود دو میلیون و ۴۱۰ هزار خانوار در سراسر کشور با فقر مطلق دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این آمار نشان می‌دهد در آن سال، از ۴ میلیون و ۳۸ هزار خانوار که معادل ۱۲ میلیون نفر جمعیت را در بر می‌گیرد؛ حدود دو میلیون و ۴۱۰ هزار خانوار که شامل ۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر جمعیت می‌شود، زیر خط فقر بوده‌اند.

نگاهی دقیق‌تر به این داده‌ها نشان می‌دهد که نرخ فقر در میان خانوارها یکنواخت نیست و در گروه‌های آسیب‌پذیر، شدت آن به‌مراتب بیشتر است. برای مثال، نرخ فقر در خانوارهای سه‌نفره‌ای که یک سرپرست و دو فرزند دارند (خانوارهای تک‌سرپرست)، به ۷۸ درصد می‌رسد. این نرخ برای خانوارهای چهارنفره تک‌سرپرست با سه فرزند، حتی به ۹۸ درصد نیز افزایش می‌یابد. این آمارها تصویری نگران‌کننده از وضعیت معیشتی خانوارهای مستأجر در کشور ترسیم می‌کنند؛ به‌ویژه خانوارهایی که علاوه بر فقر، با چالش‌های ناشی از تک‌سرپرستی نیز مواجه‌اند.

الزام کنترل روند رو به رشد تخلیه واحدهای اجاره‌ای

مسعود فراهانی، پژوهشگر حوزه مسکن مرکز پژوهش‌های مجلس در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره سیاست‌های مهمی که دولت باید در راستای بهبود وضعیت اجاره مسکن دنبال کند اظهار داشت: «نخستین و فوری‌ترین سیاستی که باید در دستور کار قرار گیرد، کنترل اجاره‌بها و جلوگیری از روند رو به رشد تخلیه واحدهای اجاره‌ای است. منطق اصلی این رویکرد روشن است؛ هر اقدامی در حوزه مسکن، برای اجرا و اثرگذاری نیازمند زمان است. در این بازه زمانی، خانواده‌هایی که مستأجر هستند و بخش بزرگی از جمعیت هدف سیاست‌های مسکن را تشکیل می‌دهند، نباید قربانی این وقفه شوند. بسیاری از مستأجران نه توان مالی حضور در بازار خرید مسکن را دارند و نه آورده کافی برای شرکت در طرح‌هایی مانند نهضت ملی مسکن. به همین دلیل، هر نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه مسکن، در وهله اول باید بر ایجاد ثبات در بازار اجاره و حفظ توان پرداخت مستأجران متمرکز شود. با این پیش‌نیاز، حتی در صورت موفقیت کامل طرح‌های ملی، همچنان ضروری است تا آثار آن برنامه‌ها به تدریج وارد بازار شده و تأثیر خود را نشان دهند.»

تا زمانی که مسکن کالای سرمایه‌ای باشد وضعیت همین است

وی افزود: «در بالاترین سطح سیاست‌گذاری، همچنان با لکنت درباره مسکن سخن می‌گوییم؛ گویی هنوز تکلیف‌مان را با این پرسش اساسی روشن نکرده‌ایم که مسکن کالا است یا حق؟ اگر مسکن را کالایی سرمایه‌ای بدانیم -که عملاً اکنون چنین شده- تبعات آن کاملاً روشن است؛ ابزاری برای سوداگری، احتکار و کسب سود، بی‌توجه به پیامدهای اجتماعی آن. وقتی مسکن به عنوان ابزار سودآوری تعریف می‌شود، هرگونه استفاده از آن -حتی خالی نگه‌داشتنش- توجیه‌پذیر می‌شود. در چنین شرایطی، بخش عمده‌ای از جامعه از دسترسی به این نیاز پایه‌ای محروم می‌شود. اما اگر سیاست‌گذار به‌روشنی اعلام کند که مسکن «کالا» نیست، بلکه «حق»ی است همگانی، مسیر متفاوتی در پیش خواهد گرفت. اولین گام در این رویکرد، کنترل سودآوری بازار اجاره است. اجاره‌بها عملاً بخشی از بازده سرمایه‌ای مالکان محسوب می‌شود. بنابراین، در شرایطی که مسکن دیگر کالای سرمایه‌ای نیست، باید اجاره‌بها نیز تحت نظارت و کنترل قرار گیرد.»

ترکیب ودیعه و اجاره، پس‌انداز خانوار را نابود می‌کند

فراهانی ادامه داد: «مهم‌تر از اجاره، مسئله ودیعه است؛ ما جزء معدود کشورهایی هستیم که ترکیب اجاره و ودیعه را از مستأجر دریافت می‌کنیم. این شیوه، پس‌انداز خانوارها را از بین می‌برد و آن‌ها را برای تأمین مسکن ناچار به فروش دارایی‌هایشان می‌کند، چون درآمد جاری‌شان کفاف اجاره را نمی‌دهد. این فشار مالی، عملاً مانع خروج مستأجران از بازار اجاره و ورود به بازار مالکیت می‌شود. در کشورهای مختلف، برای مهار این روند، سیاست‌های مشخصی اجرا شده است. برای مثال، در چین خرید مسکن دوم برای دوره‌ای ممنوع شد تا از سوداگری در بازار جلوگیری شود. یا در برخی کشورها، خانه‌های خالی جرم‌انگاری شده‌اند؛ چراکه نگه‌داشتن یک واحد مسکونی بلااستفاده، برخلاف منافع عمومی تلقی می‌شود.»

هنوز داشتن خانه خالی هیچ تبعاتی ندارد

این پژوهشگر حوزه مسکن همچنین درباره مالیات بر خانه‌های خالی گفت: «در ایران اما خانه خالی هنوز هیچ تبعات قانونی مشخصی ندارد. همچنین مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) که برای کنترل خرید و فروش‌های سوداگرانه در نظر گرفته شده، نه‌تنها اثربخشی لازم را ندارد، بلکه با واقعیت‌های تورمی بازار نیز همخوان نیست. به همین دلیل، مالکان با پذیرش ریسک مالیاتی، همچنان در این بازار فعال‌اند، چون سود حاصل از فروش بسیار بیشتر از مبلغ مالیات است. تا زمانی که مسکن را از کالای سوداگرانه به حق اجتماعی تبدیل نکنیم، هیچ‌یک از سیاست‌های حمایتی از مستأجران و اقشار فاقد مسکن، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.»

استفادهٔ بهینه از موجودی مسکن در اولویت است

وی افزود: «یکی از نخستین و بنیادی‌ترین پرسش‌ها در سیاست‌گذاری بخش مسکن این است که آیا باید از موجودی فعلی مسکن به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم، یا تمرکز بر ساخت‌وساز جدید باشد؟ پاسخ روشن است؛ این دو، در تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه باید هم‌زمان پیگیری شوند. استفاده بهینه از موجودی فعلی مسکن، اولویت نخست است؛ چراکه این واحدها هم‌اکنون در دسترس‌اند و می‌توانند با سیاست‌گذاری مناسب، به‌سرعت وارد بازار مصرف شوند. در این مسیر، مقابله با احتکار مسکن به‌عنوان یک سیاست کلیدی مطرح می‌شود. هدف اصلی، بهره‌گیری اجتماعی از منابع موجود است، نه سودآوری اقتصادی برای گروهی خاص.»

شرط اصلی ساخت‌وساز ساخت مسکن استطاعت‌پذیر باشد

فراهانی گفت: «در کنار این، ساخت‌وساز نیز ضرورتی انکارناپذیر است، اما نه هر نوع ساخت‌وسازی. شرط اصلی آن است که تولید مسکن، معطوف به نیاز واقعی جامعه و در استطاعت مالی خانوارها باشد. یعنی سیاست‌گذار باید مجوزهایی برای ساخت واحدهایی صادر کند که با توان اقتصادی اکثریت مردم هم‌خوانی داشته باشد. در حال حاضر، بسیاری از واحدهای تازه‌ساز به اصطلاح «لاکچری»اند؛ مسکن‌هایی که نه کارکرد مصرفی دارند و نه قابلیت اجاره رفتن. این خانه‌ها بیشتر به ظاهر شهر رنگ می‌دهند، اما در عمل، پیکره شهر را از درون تهی می‌کنند. بنابراین، سیاست درست این است که هم از موجودی مسکن موجود به شکل اجتماعی و عادلانه استفاده شود و هم ساخت‌وسازهایی صورت گیرد که نتیجه‌اش تولید واحدهایی با قیمت مناسب برای اقشار متوسط و پایین جامعه باشد؛ نه ساخت املاک تجملی که تنها به رشد نابرابری‌ها دامن می‌زند.»

دولت باید زیرساخت ورود بخش خصوصی را فراهم کند

وی ادامه داد: «در بحث تأمین مسکن استطاعت‌پذیر، دو رویکرد اصلی مطرح است. نخست اینکه دولت مستقیماً وارد عمل نشود، بلکه با فراهم کردن زیرساخت‌ها و مشوق‌هایی، زمینه را برای مشارکت بخش خصوصی در ساخت مسکن فراهم کند. در این مدل، هدف آن است که پروژه‌های مسکن، با همکاری دولت و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و با در نظر گرفتن توان مالی خانوارها، عملیاتی شود. رویکرد دوم، اقدام مستقیم دولت برای ساخت و مدیریت واحدهای مسکونی است؛ چیزی که در ادبیات اقتصادی به‌عنوان «مسکن اجتماعی» شناخته می‌شود. اما باید توجه داشت که در وضعیت بحرانی فعلی، مستأجران با نیازهای فوری روبه‌رو هستند؛ آن‌ها همین ماه به حمایت نیاز دارند. حتی اگر دولت از همین امروز بهترین سیاست ممکن را برای ساخت مسکن آغاز کند، دست‌کم سه سال زمان لازم است تا اولین واحدهای مسکونی به بازار عرضه شود. بنابراین، اگرچه این سیاست‌ها اصولی و قابل دفاع‌اند، اما باید در کنار سیاست‌های حمایتی فوری دیده شوند؛ سیاست‌هایی که به خانوارها کمک کند از پس هزینه‌های جاری، مانند پرداخت اجاره همین ماه، برآیند.»

لزوم تدوین بسته‌های معیشتی برای مستأجران فقیر

این پژوهشگر حوزه مسکن تصریح کرد: «علاوه بر سیاست‌های بخش مسکن، دولت می‌تواند با تدوین بسته‌های معیشتی مکمل، فشار اقتصادی بر مستأجران را کاهش دهد. این اقدامات می‌تواند شامل توزیع اقلام خوراکی با قیمت مناسب، ارائه کالابرگ یا کنترل قیمت کالاهای اساسی باشد. این‌گونه حمایت‌ها مستقیماً به بهبود سطح معیشت خانوارهای اجاره‌نشین کمک می‌کند. یکی از موضوعات محل بحث، ورود دولت به بازار اجاره و اعمال محدودیت‌های قیمتی است. گرچه در سال‌های اخیر تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته، اما بخش‌هایی از جامعه کارشناسی با این سیاست موافق نبوده‌اند. دلیل این مخالفت‌ها، عمدتاً به تضاد منافع موجود در فرایند سیاست‌گذاری کشور بازمی‌گردد. در ایران، برخی سیاست‌ها تحت‌تأثیر گروه‌های ذی‌نفع قرار می‌گیرند و مسیر اجرای آن‌ها تغییر می‌کند.»

پروژهٔ مسکن ملی اثر چندانی روی اجاره‌نشینی نداشته

فراهانی درباره تأثیر سیاست ساخت مسکن ملی ادامه داد: «با این حال، مسکن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک «حق» به رسمیت شناخته شده و دولت موظف به تأمین آن است. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد سیاست‌های ساخت مسکن ملی نتوانسته‌اند وضعیت مالکیت یا اجاره‌نشینی را به شکل معناداری تغییر دهند. بنابراین، در کوتاه‌مدت، یکی از معدود گزینه‌های مؤثر برای دولت، مداخله در بازار اجاره است. مداخله دولت در بازار اجاره، ازجمله کنترل نرخ اجاره یا محدود کردن روند تخلیه مستأجران، با اتکا به قانون اساسی و بر مبنای تأمین حقوق اولیه شهروندان انجام می‌شود. برخلاف بسیاری از کالاهای دیگر، مسکن یک نیاز پایه و بنیادی است. از این رو، بحث درباره اینکه دولت «آیا باید» در بازار مسکن مداخله کند، تا حدی از موضوعیت خارج است؛ چراکه این مداخله بخشی از وظایف مصرح دولت در قانون اساسی است.»

از یارانه مصالح تا اعطای تراکم

وی افزود: «در حال حاضر، دولت مجوزهای متعددی برای ساخت‌وساز در تهران صادر کرده است. در هر محله و کوچه‌ای، ساختمان‌های جدیدی در حال ساخت هستند، اما دولت هیچ کنترلی روی قیمت نهایی این واحدهای مسکونی ندارد. در یک مدل مسکن‌سازی، دولت می‌تواند با یارانه دادن به مصالح و تراکم، قیمت تمام‌شده واحدها را کاهش داده و بازار را کنترل کند. اما متأسفانه دولت در حال حاضر این اقدام را انجام نمی‌دهد. اگر دولت این مسیر را دنبال کند، به نوعی از بخش خصوصی برای تولید مسکن کمک خواهد گرفت و این مدل، به عنوان یک فرایند کارآمد مورد توجه قرار می‌گیرد. اما در مقابل، برخی معتقدند طرح‌های ملی مانند مسکن مهر که توسط دولت اجرا می‌شود، نه‌تنها نمی‌تواند مشکلات مسکن را حل کند، بلکه با ورود بخش خصوصی در چنین طرح‌هایی، هزینه‌های تمام‌شده مسکن نیز تحت کنترل قرار می‌گیرد. با این حال، دولت از دوره آقای روحانی به این‌گونه طرح‌ها پایان داد و به نوعی این روند را کنار گذاشت.»

سه مدل برای ساخت مسکن در شرایط فعلی

این پژوهشگر حوزه مسکن درباره مدل‌های ساخت مسکن عنوان کرد: «مدل اول، مشارکت دولت و بخش خصوصی است. در این مدل، دولت می‌تواند در ساخت مجتمع‌های مسکونی در خارج از شهرها یا حاشیه‌های آن‌ها وارد شود و با یارانه دادن به مصالح و تراکم، قیمت تمام‌شده واحدها را کاهش دهد. این مدل در شرایط فعلی تهران به‌عنوان بهترین گزینه شناخته می‌شود؛ چراکه علاوه بر تأمین مسکن برای افراد، از جداسازی اجتماعی جلوگیری می‌کند. افراد در همین مناطق شهری باقی می‌مانند و از خدمات شهری، فرصت‌های شغلی و دسترسی به امکانات بهره‌مند می‌شوند. مدل دوم، اجرای طرح‌های ملی توسط دولت است. این مدل شامل طرح‌هایی مانند مسکن مهر است که دولت خود پروژه‌های مسکونی را به‌طور مستقیم اجرا می‌کند. در این مدل، دولت می‌تواند به‌طور کامل کنترل قیمت‌ها را در دست گیرد، اما تجربه نشان داده این نوع طرح‌ها به‌ویژه در بلندمدت نتوانسته‌اند موفقیت‌های مورد انتظار را به همراه داشته باشند. مدل سوم، مداخله کامل دولت در فرایند ساخت و مدیریت مسکن است. در این مدل، دولت به‌طور کامل مسئول ساخت و مدیریت واحدهای مسکونی می‌شود. در دوره مسکن مهر، دولت بخش‌هایی از مسکن‌ها را خود ساخته و مدیریت کرد، اما پس از آن این روند کنار گذاشته شد.»

فراهانی درباره چالش‌های جداسازی اجتماعی گفت: «چنانچه دولت بخواهد مسکن را فقط در حاشیه‌های شهرها ایجاد کند، تبعات اجتماعی جدی به همراه خواهد داشت. این اقدام می‌تواند منجر به جداسازی اجتماعی شود؛ به‌طوری‌که کسانی که دسترسی به مسکن پیدا می‌کنند، از بقیه جامعه جدا می‌شوند، درحالی‌که هدف از تأمین مسکن، فراهم آوردن دسترسی به فرصت‌های شغلی و خدمات شهری است. اگر افراد از این خدمات دور شوند، هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتری برای آن‌ها به وجود خواهد آمد.»

تراکم‌فروشی در ایران بی‌قاعده است

وی در زمینه تراکم‌فروشی اظهار داشت: «در نظام مسکن ایران، تبعیض‌هایی وجود دارد که بر نحوه تخصیص تراکم و تأثیر آن بر بازار مسکن اثر می‌گذارد. در بسیاری از کشورهای دیگر، اجازه ساخت واحد مسکونی بیشتر روی یک قطعه زمین، به‌طور معمول به افراد داده نمی‌شود. برای مثال، اگر شما در نیاوران تهران یک ساختمان یک طبقه در سال ۱۳۵۰ خریدید، حتی در سال ۱۴۰۴ هم اگر مجوز بگیرید، تنها مجوز ساخت یک طبقه برای شما صادر خواهد شد، درحالی‌که نظام مسکن ایران از تراکم بی‌قاعده استفاده می‌کند و این تراکم‌ها عمدتاً تنها به مالکان فعلی اختصاص می‌یابد. درواقع، دولت از طریق سیاست‌هایی مانند «تراکم‌فروشی»، اجازه می‌دهد تا مالکان از تراکم‌های اضافی به نفع خود استفاده کنند. این روند به مالکان این امکان را می‌دهد که مثلاً در مناطق خاص تهران، مانند منطقه ۱ یا ۲، یک ساختمان یک طبقه را به شش طبقه تبدیل کنند. در مقایسه با سایر بازارها، این فرصت‌ها سود بسیار زیادی را فراهم می‌آورد، به‌طوری‌که هیچ بازار دیگری اینچنین بازدهی نخواهد داشت. دلیل اصلی این مسئله، وجود تبعیض در نظام مسکن است که فرصت‌های سودآوری ویژه‌ای را برای مالکان ایجاد می‌کند.»

الزام تغییر استراتژی دولت در حوزه تراکم‌فروشی

پژوهشگر مسکن مرکز پژوهش‌های مجلس درباره لزوم تغییر رویکرد دولت در زمینه تراکم‌فروشی عنوان کرد: «اگر دولت بخواهد در همین ساختار فعلی وارد عمل شود، یکی از راه‌های اصلاح، به‌روزرسانی تراکم‌ها و هدایت آن‌ها به سمت تأمین مسکن استطاعت‌پذیر است. برای این منظور، دولت باید به‌طور حرفه‌ای‌تر به تخصیص تراکم‌ها پرداخته و آن‌ها را با شرایط تأمین مسکن مناسب برای اقشار کم‌درآمد گره بزند. به عبارت دیگر، تراکم‌هایی که به زمین‌ها تعلق می‌گیرد، باید با همکاری مالکان و سازندگان همراه باشد تا درصدی از واحدهای ساخته‌شده به مسکن‌های استطاعت‌پذیر اختصاص یابد. این مدل در بسیاری از کشورهای دنیا به‌ویژه در ایالات متحده، به‌عنوان یک نمونه از سرمایه‌داری بازار آزاد در حال اجراست. در این کشورها، تراکم‌ها به تأمین مسکن برای اقشار مختلف گره خورده‌اند و به‌طور مؤثری بر کاهش مشکلات مسکن تأثیرگذار هستند. متأسفانه، در ایران چنین سازوکاری وجود ندارد و تراکم‌ها به‌صورت بی‌رویه و بدون هیچ‌گونه مدیریت خاصی در اختیار مالکان قرار می‌گیرد.»

وی در پایان یادآور شد: «چالش اصلی این است که بازار مسکن در ایران کاملاً رها شده است و به دلیل سودآوری بالای آن، مالکان و سازندگان تمایل زیادی به ادامه فعالیت‌های ساختمانی دارند. حتی اگر دولت بخواهد وارد عمل شده و سیاست‌های کنترلی را اعمال کند، همچنان به دلیل بازدهی بالا، فعالیت‌های ساختمانی ادامه خواهد یافت. این مسئله نشان‌دهنده ضرورت اصلاحات در نحوه تخصیص تراکم‌ها و کنترل بازار مسکن است تا نه‌تنها فرصت‌های سودآور به طور عادلانه‌تر توزیع شوند، بلکه به تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد نیز کمک شود.»

نرخ فقر میان خانوارهای مستأجر (خانوارهای ۱ تا ٤ نفره) - سال ۱۴۰۱

بعد خانوار	کل خانوارهای مستأجر	کل خانوارهای مستأجر درگیر فقر مطلق	نرخ فقر خانوارهای مستأجر (درصد)
۱	۳۱۲,۸۹۶	۱۵۹,۰۱۵	۵۱
۲	۷۶۱,۵۰۷	۳۵۲,۹۰۲	۴۶
۲	۸۱,۸۰۵	۴۳,۳۸۶	۵۳
۳	۱,۰۳۶,۳۲۲	۵۷۰,۷۸۸	۵۵
۳	۲۷,۳۴۹	۲۱,۴۱۹	۷۸
۳	۳۷۷,۰۷۸	۲۲۱,۰۹۶	۵۹
۴	۹۵۳,۴۱۸	۶۴۶,۳۳۲	۶۸
۴	۲۴۰,۴۱۷	۱۸۵,۷۰۴	۷۷
۴	۲۳۴,۲۹۸	۱۵۹,۰۶۷	۶۸
۴	۱۲۵,۸۰۰	۵۰,۳۲۲	۴۰
مجموع	۴,۰۳۷,۶۷۲	۲,۴۱۰,۰۲۹	۶۰

farhikhtegan

اتاق جنگ در برابر اتاق جنگ

محمد طاهران‌پور
پژوهشگر حلقه حکمرانی نظام پولی مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

یک فرمان مهم

هفت سال پیش همین روزها بود که رهبر انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام نکات مهمی را مطرح فرمودند که از لوازم حکمرانی اقتصادی در شرایط فعلی کشور است؛ اما همچنان مغفول مانده و پیشرفت مناسبی در اجرا نداشته است. خلأیی که در حکمرانی اقتصادی کشور به اذعان بسیاری از کارشناسان و فعالان اقتصادی وجود دارد، فقدان فرماندهی واحد و متمرکز اقتصادی در بحبوحه جنگ اقتصادی است.[1] رهبر انقلاب در دوم خرداد ۱۳۹۷، تنها چند روز پس از خروج یکجانبه آمریکا از برجام و نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل خطاب به کارگزاران نظام که با حضور سران سه قوه و مسئولان لشکری و کشوری برگزار شد فرمودند: «من عرض می‌کنم دشمن ما اتاق جنگ را برده است در وزارت خزانه‌داری؛ [اتاق] جنگ علیه ما به‌جای وزارت دفاع، وزارت خزانه‌داری آن‌ها است، به شکل فعّال هم مشغول‌اند. قبلاً هم همین جور بود؛ سال ۹۰ و ۹۱ [هم] که آن تحریم‌ها را شروع کردند -به خیال خودشان تحریم‌های فلج‌کننده که به کوری چشم آن‌ها نتوانست جمهوری اسلامی را فلج کند- فعّال بودند؛ حتّی وزیر آمریکایی می‌رفت با یکایکِ رؤسای بانک‌های مختلف در کشورهای مختلف تماس می‌گرفت؛ یعنی این جور فعّال بودند؛ شب‌وروز مشغول بودند. من عرض می‌کنم اینجا هم بایست ستاد مقابله با شرارتِ این دشمن در مجموعه اقتصادی تشکیل بشود؛ وزارت خارجه باید پشتیبانی کند، باید به‌صورت همراه کمک کند لکن بایست در مرکز اقتصادی دولت این ستاد تشکیل بشود و این کار را دنبال کنند. البتّه اقتصاد مقاومتی علاج همه این‌ها است که باید با جدّیّت دنبال بشود؛ ولی امروز با توجّه به کارهایی که دشمن دارد می‌کند، ممکن است یک بخش‌های خاصی از اقتصاد مقاومتی اولویت پیدا بکند که آن‌ها را بایستی دنبال بکنند.» همچنین کمتر از یک ماه قبل از این بیانات یعنی در ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۹۷ نیز به اتاق جنگ وزارت خزانه‌داری آمریکا اشاره کرده بودند و فرمودند: «امروز آنچه مطرح است برای دشمنان ما، جنگ اقتصادی است. اتاق جنگ آمریکا علیه ما عبارت است از وزارت خزانه‌داری آمریکا که همان وزارت اقتصاد و دارایی‌شان است؛ آنجا اتاق جنگ با ما است.»

چرا اتاق جنگ؟

وزارت خزانه‌داری آمریکا از آغاز دور جدید مذاکرات تاکنون با اعمال تحریم‌ها علیه ایران و ناقضان تحریم ایران، ایجاد کمپین مستمر تحریم‌ها و ممانعت از دسترسی ایران به منابع مالی و تداوم اقدامات مقابله‌ای علیه ایران در گروه ویژه اقدام مالی (FATF) اقدامات فعالانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران در کارزار جنگ اقتصادی و در راستای سیاست فشار حداکثری از سوی دولت کنونی ایالات‌متحده انجام داده است.[2] آن‌ها با صراحت اعلام کرده‌اند که هدف‌شان به صفر رساندن صادرات نفت ایران است. برای همین تلاشی مضاعف در کشف راه‌های فروش نفت ایران و بستن این راه‌ها دارند تا بتوانند ایران را در موضع ضعف قرار داده و امتیازات بیشتری از طریق مذاکرات دریافت کنند. این تلاش‌ها معطوف به این روزها نیست؛ بلکه سال‌های طولانی است که اقدامات مختلفی علیه جمهوری اسلامی با هدف ایجاد تنگنای اقتصادی و درنهایت فروپاشی نظام اقتصادی کشور انجام می‌شود. بنابراین ضرورت دارد که در برابر اقدامات خصمانه آمریکا که از اتاق فکر آن در وزارت خزانه‌داری نشأت می‌گیرد، اتاق جنگ اقتصادی متشکل از دبیرخانه و اتاق در نظام جمهوری اسلامی ایران تأسیس شود و در نوع مواجهه با تحریم‌ها بازنگری صورت گیرد. در اوایل جنگ تحمیلی لشکرهای مختلفی از استان های سراسر کشور وارد نبرد با دشمن در جبهه های مختلف شدند؛ اما نه می‌دانستند دشمن کیست و نه می‌دانستند از کجا حمله می‌کند. حتی خود لشکرها هم ساماندهی لازم برای مقابله با دشمن را نداشتند. شهید حسن باقری در همان روزهای ابتدایی جنگ برای حل این چالش یک اتاق فکر و اتاق جنگ در اهواز تشکیل می‌دهد و شروع به شناسایی موقعیت‌ها و ظرفیت‌های دشمن می‌کند. در مدت کوتاهی متوجه می‌شوند که رژیم بعث با سه سپاه و دوازده لشکر و در جبهه‌ای طولانی به طول ۱۶۰۴ کیلومتر متعرض خاک جمهوری اسلامی ایران شده است؛ پس‌ازآن اقدام به شناسایی استعدادها و ظرفیت‌های داخلی کرده و افراد مستعد را متناسب با توانایی‌ها به جبهه‌های مختلف مقابله با دشمن اعزام می‌کند. اولین اقدام مهم شهید حسن باقری به‌روزرسانی و طراحی دقیق نقشه مناطق جنگی بود تا با احاطه بر جغرافیای جنگ و اشراف کامل از اقدامات دشمن برنامه‌های مقابله و دفاع در برابر رژیم بعث عراق را طرح‌ریزی و اجرا کند. در حال حاضر بیش از ۱۵ سال از جنگ اقتصادی همه‌جانبه غرب علیه جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد اما تاکنون کشور مواجهه کامل و صحیحی در برابر تحریم‌ها نداشته و به‌نوعی سردرگم بوده است. باید پذیرفت که امروز ایران در یک طرف جنگ اقتصادی قرار گرفته و این موقعیت، اجتناب‌ناپذیر است. تاکنون مواجهه جمهوری اسلامی ایران در برابر تحریم‌های اقتصادی عمدتاً در مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم با دولت‌های غربی و دور زدن تحریم‌ها خلاصه شده است. اما لازم است در کنار تلاش برای رفع تحریم، تلاش جدی‌تر در راستای خنثی‌سازی تحریم‌ها صورت گیرد که ساماندهی نظام حکمرانی اقتصادی کشور در جهت خنثی‌سازی تحریم‌ها بر عهده اتاق جنگ اقتصادی است.

قرارگاهی برای مقابله با جنگ اقتصادی

در همان روزهای ابتدایی اردیبهشت سال ۹۷ صحبت از تأسیس یک نهاد بود که قرار بود به‌عنوان قرارگاه مقابله با جنگ اقتصادی اقدامات لازم را در جهت اجرای فرامین رهبری انجام دهد. شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ به دستور رهبر انقلاب تأسیس شد. مهم‌ترین اهداف شورای اقتصادی سران قوا ایجاد تمرکز، اجماع، همدلی و هماهنگی بیشتر سران سه قوه جهت تحریم‌ناپذیر نمودن اقتصاد کشور، مواجهه بلندمدت و مقاوم‌سازی زیرساخت‌های اقتصادی و همچنین اصلاح ساختار اقتصادی کشور در چهار محور اصلاح نظام بانکی، اصلاح ساختاری بودجه، حمایت از اقشار فقیر و آسیب‌پذیر و سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال است.[3] شأن این نهاد فرادستگاهی ایجاد هماهنگی بین نهادهای اجرایی در جهت اجرای مصوبات شورای سران در تحقق این اهداف است.

آنچه به شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا برای تحقق اهداف خود براساس مأموریت محوله از جانب رهبر معظم انقلاب کمک می‌کند وجود یک دبیرخانه متشکل و قوی با نیروی انسانی متخصص و باتجربه است. دبیرخانه نقش بسیار مهمی در شناخت مسائل کلیدی، تنظیم نقشه راه اصلاحات اقتصادی و درنهایت تصمیم‌سازی برای اعضای تصمیم‌گیر شورای سران دارد. طبق اظهارنظر برخی خبرگان وضعیت کنونی دبیرخانه شورای عالی هماهنگی سران قوا با وضعیت مطلوب آن فاصله بسیاری دارد و بعضاً انحراف از مأموریت در آن مشهود است. با توجه به مشغله فراوان سران سه قوه و عدم تمرکز لازم بر موضوعات مختلف لازم است دبیرخانه با اقدامات کارشناسی و به‌صورت فعالانه طرح‌ها را بر اساس ضروریات کشور اولویت‌بندی نموده و آن را به پختگی کامل برساند تا تصمیم‌گیری برای سران قوا آسان‌تر شود. برقراری ارتباط مستمر و فعالانه با مراکز پژوهشی اقتصادی ازجمله مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای پژوهشی و دانشگاهی به اشراف این دبیرخانه بر اهم مسائل اقتصادی کشور و حل مسائل مختلف اقتصادی کمک بسیاری خواهد کرد و می‌توان قشر نخبه و جوان کشور را به نهادهای تصمیم‌گیر متصل نمود. سرعت عمل در رصد مسائل اقتصادی کشور ازجمله اقدامات دشمن در وضع تحریم‌ها، داشتن بازوی رسانه‌ای جهت مدیریت افکار عمومی و تلاش در برداشتن فشار روانی از جامعه، داشتن کمیته‌های تخصصی جهت تعامل با نهادهای مربوطه و بررسی دقیق چالش‌های اجرایی مصوبات شورای عالی سران قوا، تعامل و ایجاد هماهنگی بین ستاد مقابله با تحریم و ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و نهادهای دیگری که در زمینه مقابله با تحریم‌ها فعالیت می‌کنند، ایجاد بستر ارتباطی با شرکت‌های خصوصی که در معرض تحریم قرار دارند و تعامل مستمر با آن‌ها در قالب ابلاغ مصوبات و حمایت حقوقی از تحریم شدگان، شناسایی و اولویت‌بندی و پیگیری کلان پروژه‌هایی که به خنثی‌سازی تحریم‌ها کمک می‌کنند از مهم‌ترین وظایف شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا به‌عنوان یک‌نهاد فرادستگاهی است که با تعامل هدفمند با نهادهای اجرایی و تلاش برای رفع تزاحمات بین‌سازمانی بتواند مصوبات را به مرحله اجرا برساند.

حال هفت سال از تأسیس شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و مطالبه رهبر انقلاب مبنی بر ایجاد اتاق جنگ اقتصادی می‌گذرد. لازم است اقدامات هفت‌ساله دبیرخانه و اعضای شورای عالی هماهنگی سران قوا بررسی شود و عملکرد آن با انتظاراتی که رهبر انقلاب داشتند مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد. اصلاح و تقویت شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا با توجه به وضعیت کنونی اقتصادی کشور و نیاز مبرم به یک مرکز فرماندهی اقتصادی یک ضرورت در نظام حکمرانی اقتصادی کشور است و لازم است در اولویت قرار گیرد.

پانوشت:

۱-دیدار فعالان بخش خصوصی با معاون اول دولت چهاردهم-۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴- https://www.yjc.ir/fa/news/8952445

۲- اندیشکده اقتصاد مقاومتی، گزارش فشار حداکثری آمریکا همزمان با مذاکرات و اقدامات فعالانه ایران-